پست تهدیدآمیز بهاره رهنما برای سارق

بازیگر زن سینما و تلویزیون، سارق خانه‌اش را تهدید کرد که بگذارد دهانش بسته بماند و طلاهایی را که برده است به او بازگرداند.

به گزارش خبرآنلاین، بهاره رهنما که چند روز پیش از خانه‌اش سرقت شده است، با انتشار پستی در اینستاگرام خطاب به سارق نوشت: آقای دزد محترم من می‌شناسمت و برای چندمین بار به هوش خودم ایمان آوردم، کاش قبل این‌که این توفان شروع شه عقلت برسه، اون جواهرات قابل فروش عادی نیست، حلقه ازدواجم و طلاهای بچگی پریا کاملا مشخصه اونا رو یک جوری برگردون تو خونه! یا بهم برسون! بگذار دهن من بسته بمونه و توفان بپا نشه چون اون وقت خیلی درختا شکسته میشه، خیلی.

این بازیگر سینما و تلویزیون پیش از این با انتشار پستی در اینستاگرام از دستبرد سارق به خانه‌اش و سرقت طلا از آنجا خبر داده بود.

کری‌خوانی اینستاگرامی به‌خاطر اختلاف خانوادگی

مردی که به قصد انتقامگیری و تهدیدهای لایواینستاگرامی شاکی، او و دوستش را تنبیه کرده بود، به دردسر افتاد. متهم با شکایت شروع به آدم‌ربایی و سرقت، دستگیر شد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۲۱ نوزدهم خرداد امسال مردی با پلیس تهران تماس گرفت و خبرداد که سه مرد قوی‌هیکل که چاقو و قمه دارند در ربودن دو جوان ناکام مانده و باسرقت پژو ۲۰۶ آنها متواری شدند. پس از این تماس، ماموران در کوچه‌ای در شهرک استقلال تهران که محل حادثه بود حاضر شدند. دو جوان کتک خورده به افسران تحقیق گفتند مهاجمان با قمه زخمی‌شان کرده‌اند و قصد ربودنشان را داشتند با کمک مردم نجات یافتند، اما آدم‌رباها خودروی پژویشان را به‌همراه ۳۷ میلیون و ۵۰۰ هزارتومان پول و مدارک داخل آن، سرقت کردند.

یکی از شاکیان به افسر تحقیق گفت: کارپرداز شرکتی هستم. پول‌های سرقتی متعلق به شرکت است و قرار بود روز بعد به حساب مدیر شرکت واریزکنم. یکی از مهاجمان ورزشکار بدنساز و دیگری رد چاقو روی صورتش بود که به نظر می‌رسید خلافکار باشد. نفر سوم را که برادرزن عمویم بود شناختم. ما باعمویم اختلاف خانوادگی و ملکی داریم. عمویم به واسطه برادرزنش به نام امیر، من و اعضای خانواده‌ام را به آدم‌ربایی و مرگ تهدید کرده بود. حتی در لایواینستاگرام برایم کری می‌خواند و شمارش معکوس برای قتل مرا آغاز کرده بود که آن شب در اجرای نقشه‌اش ناکام ماند و فقط سرقت کرد.

در این مرحله با دستور علی ایرد موسی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، تحقیقات پلیسی برای دستگیری متهمان آغاز شد. با گذشت هشت ماه، امیردر آخرین مخفیگاهش بازداشت شد. متهم ۳۴ ساله به افسر تحقیق گفت: کارم محوطه‌سازی باغ است. اصل درگیری شاکی از ۲۱ سال پیش با عمویش بود. او یک روز مقابل مغازه عمویش در یکی از محله‌های شهریار آمد. همه شیشه‌های آنجا و خانه خواهرم را شکست و همه را به مرگ تهدید کرد و با زخمی کردن عمویش با قمه فرار کرد. او شکایت کرد و برادرزاده‌اش مدتی پیش بازداشت و به زندان افتاد. بعد هم با وثیقه بیرون آمد، اما بابت این پرونده به شش ماه حبس و پرداخت دیه در حق دامادمان محکوم شد. برادرزاده دامادمان دست بردار نبود و خواهرم، شوهرش و دیگر اعضای خانواده او را تلفنی و حضوری تهدید و ایجاد مزاحمت می‌کرد. همچنین در لایو اینستاگرامی خانواده دامادمان را به مرگ و ربودن اعضای خانواده‌اش تهدید کرده و مدام فحاشی می‌کرد. از ترس جان اعضای خانواده از او شکایت نکردند. زمانی که من به هواخواهی از دامادمان پرداختم، مرد مزاحم حتی مرا هم در لایو اینستاگرامی به مرگ تهدید کرد. آن شب دوباره برایم کری‌خوانی کرد. چهاربار محل دعوا با مراتغییر داد و آخر مرا به شهرک استقلال کشاند. این بار تصمیم گرفتم او را با دوستانم کتک بزنیم که تنبیه شود. او و دوستش آمده بودند. یکی از آنها سمت مغازه‌ای رفت، شیشه نوشابه را شکست تا زخمی‌مان کند. در این دعوا کتکشان زدیم و با سرقت خودروی پژو، آن را در محله دیگری رها کردیم و نمی‌دانیم چه کسی پول و کیف داخل آن را برداشته است.

با اعتراف متهم پرونده، دو همدست فراری او تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

سحرگاه مرگ برای کارگر جنایتکار

قاتل صاحبکار و همسرش را به قتل رساند

مرد جنایتکار که در انتقامی کور، صاحبکار و همسرش را به طرز هولناکی به قتل رسانده بود، ۱۹ ماه پس از جنایت در زندان به دار مجازات آویخته شد.

به گزارش جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اوایل تیر سال گذشته و به دنبال قتل زوج جوانی در خانه‌شان در شهرستان طبس آغاز شد. مردی به تماس با پلیس اعلام کرد، چند روز است از برادرم و همسرش خبری نیست. امروز به موضوع مشکوک شدم و به خانه‌شان رفتم. از بالای در، داخل خانه را نگاه کرده و با لکه‌های خون روبه‌رو شدم.

پس از این تماس ماموران با حضور در محل و با دستور قضایی وارد خانه و با جسد زن ۳۲ ساله‌ای مقابل ورودی آشپزخانه روبه‌رو شدند. در تحقیقات مشخص شد، زن جوان به‌علت وارد آمدن ضربات متعدد چاقو و شکستگی جمجمه جان باخته است.

ماموران تحقیقات برای یافتن شوهر این زن را آغاز کردند و دریافتند او در ساختمان نیمه کاره‌ای در حال حفر چاه بوده است. تیم جنایی با حضور در ساختمان نیمه کاره با چاهی مواجه شدند که با بلوکه سیمانی و خاک پر شده بود. در ادامه نیروهای آتش‌نشانی در محل حاضر و پس از برداشتن بلوک و خاک با جسد مردی ۳۵ ساله روبه‌رو شدند.

کارآگاهان در نخستین گام به شاگرد مقتول شک کردند بنابراین با هماهنگی قضایی به محل سکونت او رفتند، اما او در خانه نبود. در ادامه مشخص شد او با خودروی پراید مقتول از طبس خارج شده است. سرانجام متهم و همسرش در محله قلهک تهران شناسایی و دستگیر شدند. مرد جنایتکار که هیچ راهی برای فرار از حقیقت نداشت در بازجویی‌ها گفت: مدتی بود با مقتول کار می‌کردم و او دستمزدم را به طور هفتگی به همسرم می‌داد، اما آخرین بار و پیش از جنایت به پیشنهاد خودم دستمزد هفتگی‌ام را به حسابم واریز کرد تا این که همسرم با مقتول تماس گرفت که چرا پول را مثل همیشه به خودم ندادی که همین موضوع به درگیری لفظی میان آنها منجر شد. پس از آن مقتول با من تماس گرفت و حرف‌های رکیکی درباره همسرم زد و گفت اگر جای تو بودم این زن را طلاق می‌دادم.

وی ادامه داد: ساعت ۱۵ روز بعد آماده شدم تا سر کار بروم. به‌علت گرمای شدید هوا در طبس کار من بعدازظهر آغاز می‌شد. وقتی به محل ساختمان رسیدم مقتول پایین چاه بود که همان ابتدا به خاطر حرف‌هایی که به همسرم نسبت داده بود درگیری لفظی میان ما آغاز شد و من هم از بالا چند بلوک سیمانی به داخل چاه انداختم و بعد از آن پاکت سیمان و گچ و مقداری خاک داخل چاه ریختم و او را زنده در چاه دفن کردم. غروب به خانه مقتول رفتم و وسایل کار را آنجا گذاشتم. همسرش به من شک کرده بود که او را هم کشتم. بعد از قتل با خودروی مقتول به شمال کشور رفته و از آنجا به تهران رفتم که ماموران رد مرا شناسایی کرده و دستگیر شدم.

عامل این جنایت در شعبه اول دادگاه کیفری استان خراسان جنوبی محاکمه شد. در این جلسه اولیای دم برای قاتل درخواست قصاص کرده و کارگر جوان به دفاع از خود پرداخت. قضات دادگاه پس از رسیدگی، عامل این جنایت را به قصاص محکوم کردند. حکم مجازاتش پس از تایید در دیوان عالی کشور، صبح پنجشنبه در زندان طبس اجرا شد.

قاتل پس از اعتراف به ۲ جنایت با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد

قتل زن معتاد با انگیزه شیطانی

زن معتاد زمانی که در مقابل مرد آزارگر در پاتوق کارتن‌خواب‌ها مقاومت کرد، از سوی وی با ضربه‌های چاقو از پای درآمد.

به گزارش جام‌جم، شامگاه بیستم دی امسال مردی هنگام بازگشت از محل کار به خانه‌اش در محله خرمدشت بود که باصحنه عجیبی روبه‌رو شد. او مشاهده کرد زنی کنار زمین خالی که پاتوق معتادان و کارتن‌خواب‌ها بوده افتاده است. او به گمان این‌که این زن در آنجا خوابش برده، چندبار او را صدا زد، اما پاسخی نشنید آرام آرام به او نزدیک شد و مشاهده کرد آن زن براثر ضربه‌های متعدد چاقو به قتل رسیده است. مرد وحشت‌زده از آنجا فاصله گرفت و در تماس با پلیس ۱۱۰ از کشف جسد این زن خبر داد. در ادامه ماموران اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی استان البرز همراه بهمن آبیار، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی کرج در محل کشف جسد حاضر شدند.

بررسی‌های اولیه نشان می‌داد ساعتی از مرگ زن حدودا ۴۰ ساله می‌گذرد و براثر اصابت ده ضربه چاقو به نقاط مختلف بدنش به قتل رسیده است. در جریان تحقیقات معلوم شد آثار دفاعی روی بدن این زن نشان می‌دهد فردی درصدد بوده تا او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار دهد، اما این زن در مقابل آن مقاومت کرده و مرد مهاجم او را با ضربه‌های متعدد چاقو به قتل رسانده و متواری شده است.

با توجه به این‌که هویت زن مشخص نبود، جسد او به پزشکی‌قانونی منتقل و پرونده‌ای درباره قتل او در شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی کرج تشکیل شد. تحقیقات پلیس جنایی برای رازگشایی از این قتل ادامه داشت تا این‌که با گذشت شش روز از این ماجرا ماموران موفق به شناسایی خانواده مقتول شدند.

یکی از اعضای خانواده او به افسر تحقیق گفت: او سال‌ها قبل درپی آشنایی با افراد نادرست، گرفتار اعتیاد شده بود. چند بار وی را به کمپ برده و بستری کردیم، اما هر بار مدتی در آنجا می‌ماند و بعد از آنجا بیرون می‌آمد. اعضای خانواده تلاش کردند او اعتیادش را ترک کند و به زندگی سالمی دست پیدا کند، اما نشد. سرانجام چند سال پیش یکباره خانه را ترک کرد و رفت.

وی افزود: در این سال‌ها همه جا را جست‌وجو کردیم و فهمیدیم که او کارتن‌خواب شده و جا و مکانی ندارد. تلاش‌هایمان برای یافتن او بی‌نتیجه ماند تا این‌که از طریق تماس با پلیس باخبر شدیم که خواهرمان با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده است. نمی‌دانیم قاتل او چه فردی است.

با مشخص شدن هویت مقتول، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله جدیدی شد. تحقیقات پلیس برای رازگشایی از این جنایت و دستگیری قاتل زن معتاد ادامه دارد.

جسد زن معتاد در پاتوق معتادان محله خرمدشت پیدا شد

نجات ۴ زن از اعدام

چهار زندانی زن محکوم به قصاص نفس به کمک خیران و مسؤولان قضایی از سوی اولیای دم بخشیده شدند.

به گزارش میزان، این چهار زن اعدامی در ندامتگاه شهرری دوره محکومیت خود را به سر می‌بردند. دیه‌هایی که آنها قرار بود به خانواده مقتولان بپردازند با تلاش نیکوکاران جمع‌آوری شد و آنها موفق به جلب رضایت شدند و از مجازات قصاص نجات یافتند.

مینا ۲۸ ساله یکی از زنان بخشیده شده می‌گوید: کابوس مرگ رهایم نمی‌کرد. هرشب با ترس و دلهره می‌خوابیدم و هرشب این جمله را برای خودم تداعی می‌کردم شاید فردایی نباشد. با کمک خیران توانستم ۱۱۰ میلیون از ۱۹۰ میلیون تومان پول دیه را فراهم کنم و به خانواده مقتول بپردازم. ۱۷ گواهینامه فنی و حرفه‌ای در این ندامتگاه گرفته‌ام و حالا می‌خواهم در آینده با این مهارت‌ها زندگی‌ام را بگذرانم و کاری دست و پا کنم.

وی ادامه داد: شوهرم بلای زیادی سرم آورد و حتی مردهای غریبه را به خانه می‌آورد. آخرین بار فیلمی از من تهیه و تهدیدم کرد باید به حرف‌هایش گوش دهم تا این فیلم را منتشر نکند. از دست رفتارش خسته شدم بودم و آخر او را کشتم و ده سال بود زیر حکم قصاص بودم.

نسرین، دیگر اعدامی بخشیده شده نیز می‌گوید: دخترم هفت سال است به دیدنم در زندان نیامده و با خانواده شوهرم زندگی می‌کند. در این سال‌ها روزگارم را با عکس و خاطرات او گذراندم. دخترم اکنون ۱۶ ساله است. می‌خواهم بعد از آزادی آرام زندگی کنم و دوباره دخترم را ببینم.

دیگری زهره بود که پیش از این همراه مادر و خواهرش از چهارسال پیش در زندان به سر می‌برد. زهره حالا ۲۴ سال دارد. با خوشحالی می‌گوید خواهرم آزاد شده است و مادرم نیز به‌زودی آزاد خواهد شد و خودم نیز به کمک خیران آزاد می‌شوم. چهارمین زندانی قصاصی هم خوشحال است که پس از سال‌ها می‌تواند خانواده‌اش را ببیند و دیگرکابوس مرگ نمی‌بیند.

خفت‌گیری پسران شیشه ای از مسافران

متهمان در کنار وکلایشان در جلسه دادگاه

سه پسر شیشه‌ای که در پوشش مسافربر از ده شهروند خفت‌گیری کرده بودند پای میز محاکمه ایستادند.

به گزارش جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از پاییز ۹۶ به دنبال شکایت مرد جوانی به نام رضا در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی که از ناحیه پا زخمی شده بود به ماموران گفت: دیشب حوالی میدان آزادی سوار یک پراید سفید شدم تا به خانه‌ام در جنوب تهران بروم. هنوز مسیر زیادی را طی نکرده بودیم که دو مرد به عنوان مسافر سوار ماشین شدند. دقایقی بعد راننده تغییر مسیر داد. من که تعجب کرده بودم علت تغییر مسیر را پرسیدم، اما جوابی به من نداد. به محض این‌که به راننده اعتراض کردم، دو مرد جوان که روی صندلی عقب پراید نشسته بودند به رویم قمه کشیدند. آنها در خیابانی خلوت مرا کتک زدند و هر چه داشتم سرقت کردند.

وی ادامه داد: مردان خشن وقتی فهمیدند در کارت عابر بانکم پول زیادی ندارم مرا مجبور کردند با خانواده‌ام تماس بگیرم. آنها می‌گفتند به بهانه این‌که در بیمارستان بستری شده‌ام باید از خانواده‌ام بخواهم تا هرچه سریع‌تر پول میلیونی به حسابم واریز کنم، ولی من مقاومت کردم و چون آنها مقاومت مرا دیدند با مشت و لگد به جان من افتادند. آنها حتی چند ضربه هم با پهنای قمه به بدنم زدند و در نهایت یکی از آنها پایم را با قمه زخمی کرد. آنها مرا از ماشین بیرون انداختند و گریختند. به دنبال این شکایت تلاش برای ردیابی راننده پراید و دو سرنشین دیگر آغاز شد. پلیس هنوز ردی از آنها به دست نیاورده بود که دومین شکایت مشابه به پلیس رسید. در حالی که فرضیه سریالی بودن خفت‌گیری‌ها از سوی راننده پراید و دو همدستش قوت گرفته بود تعداد شکایت‌ها بیشتر شد. در حالی که شکایت از راننده پراید سفید و دو همدستش به ده فقره رسیده بود سرانجام پلیس با اطلاعاتی که از مالباخته‌ها گرفت، توانست راننده پراید به نام اصغر را شناسایی کند.

وی در بازجویی‌ها دو همدستش به نام‌های پویا و سیاوش را نیز لو داد و آنها نیز بازداشت شدند. متهمان که ۲۵ تا ۲۷ ساله هستند و همگی به شیشه اعتیاد دارند به جرم خود اعتراف کردند و به اتهام آدم‌ربایی، سرقت به عنف و ضرب و جرح در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی توکلی و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستادند. در این جلسه مالباخته‌ها به تشریح شکایتشان پرداختند و برای متهمان اشد مجازات خواستند.

اصغر در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من و دوستانم به شیشه اعتیاد داشتیم. چون بیکار بودیم، نمی‌توانستیم به‌راحتی پول مواد را تهیه کنیم. به همین خاطر به فکر سرقت افتادیم. ما پراید یکی از دوستانمان را قرض گرفته بودیم و با آن طعمه‌ها را به دام می‌انداختیم. ما در خیابان‌های خلوت افراد را به عنوان مسافر سوار ماشین می‌کردیم و در محل مناسب با تهدید از آنها می‌خواستیم تا گوشی تلفن همراه و هر آنچه همراه دارند را به ما بدهند. وقتی مقاومت می‌کردند ناچار بودیم آنها را با قمه بزنیم. ما گاهی اوقات آنها را مجبور می‌کردیم تا با خانواده‌شان تماس بگیرند و از آنها بخواهند خیلی زود مبلغی را به کارت عابر بانکشان انتقال دهند و پس از دریافت این پول آنها را رها می‌کردیم.

سپس پویا در جایگاه ویژه ایستاد و خطاب به شاکی‌ها گفت: من پولی در بساط ندارم تا بتوانم رضایت شما را جلب کنم. من به خاطر بی‌پولی دست به این کار زده بودم.

وقتی نوبت دفاع به سیاوش رسید گفت: ما بعد از مصرف شیشه دست به خفت‌گیری می‌زدیم. باور کنید ما تحت تاثیر مواد توهم‌زا بودیم و متوجه کارهایی که می‌کردیم نبودیم. من از کاری که کرده‌ام پشیمانم و از شاکی‌ها طلب بخشش دارم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

دزدان با سوار کردن مسافران با تهدید از آنها اخاذی می‌کردند

تلنگر

کودک‌آزاری مرگبار در مشهد

دو متهم به کودک‌آزاری منجر به قتل که تحت تعقیب پلیس مشهد بودند، بازداشت شدند.

کاظم میرزایی، بازپرس کشیک قتل دادسرای مشهد به ایرنا گفت: ۱۱ دی امسال دختر شش ساله‌ای به علت تشنج و بدحالی به بیمارستان امدادی مشهد منتقل شد، اما با توجه به تلاش پزشکان او که مرگ مغزی شده بود، فوت کرد. با توجه به این‌که پزشک قانونی آثار سوختگی و ضربه به سر این کودک را تایید کرده بود، دو روز پیش زن و مردی که کودک را به بیمارستان منتقل کرده بودند به دادسرا احضار شدند. این زن و مرد در تحقیقات اعلام کردند دختر بچه فرزند آنها نبوده و مادرش کارتن خواب بوده و آنها فقط از او نگهداری کرده‌اند.

وی افزود: در ادامه تحقیقات این مرد اعتراف کرد که هنگام کشیدن مواد مخدر سیخ داغ را برای تفریح به بدن دختربچه فرو می‌کرده است.

قاتل خاموش ۸ قربانی گرفت

سه مرد که کارمند علوم پزشکی شهر یاسوج بودند و پنج مسافر در دو حادثه جداگانه بر اثر گازگرفتگی فوت شدند.

به گزارش جام‌جم، در نخستین حادثه سه جوان به نام سیروس عسگری، رضا براتی و احسان آراسته ۲۶ و ۲۷ و ۲۷ ساله که هر سه از کارمندان دانشگاه علوم پزشکی شاغل در آزمایشگاه شهید بهشتی یاسوج و درمانگاه پاتاوه بودند، در خانه اجاره‌ای براثر گازگرفتگی فوت شدند.

در حادثه دیگر، پنج مرد تهرانی که به یک خانه روستایی در آمل سفر کرده بودند بر اثر گازگرفتگی فوت شدند.

ذکریا اشکپور، سخنگوی اورژانس استان مازندران در این باره گفت: روز جمعه وقوع گازگرفتگی شش نفر به اورژانس گزارش شد. امدادگران اورژانس به محل حادثه در روستای سنگ بست در جاده آمل به سرخرود اعزام شدند. آنها مشاهده کردند که شش نفر دچار گازگرفتگی شده و پنج نفرشان فوت کرده‌اند. نفر آخر که جان سالم به دربرده، اما مسموم شده بود در بیمارستان امام رضا(ع) آمل بستری شد. بررسی‌ها نشان می‌داد آنها از تهران به این روستای شمالی آمده بودند که قربانی مرگ خاموش شدند.

سرقت کاغذ از مدرسه برای خرید شیشه

پسر سرایدار مدرسه برای تامین هزینه شیشه‌اش به سرقت بسته‌های کاغذ A4 از مدرسه دست می‌زد.

سرهنگ حسن نورآبادی، رئیس کلانتری مهرآباد تهران به جام‌جم گفت: شامگاه ۲۹ دی امسال ماموران هنگام گشتزنی توجه‌شان به مردی جلب شد که در حال پرسه زدن در خیابان بود. او با دیدن ماموران فرار کرد و خودش را پشت یکی از خودروهای پارک شده در خیابان پنهان کرد، اما ماموران او را تعقیب کردند و وی بازداشت شد. در بازرسی از او یک بسته کاغذ A4 که در لباس‌هایش جاسازی شده بود کشف شد.

وی افزود: متهم ۲۷ ساله در بازجویی اولیه به سرقت کاغذها اعتراف کرد و معلوم شد که این بسته کاغذ را از مدرسه‌ای که پدرش در آنجا سرایداری می‌کرده دزدیده است تا با فروش آن هزینه شیشه‌اش را تامین کند. او با سوءاستفاده از پدرش طی سه مرحله کاغذ A4 از مدرسه دزدیده و فروخته است.

مادری که به ۸ نفر زندگی بخشید

مادر ۴۶ ساله ساروی با اهدای هشت عضو بدنش به بیماران زندگی دوباره بخشید.

به گزارش فارس، سکینه میرشفیعی مادر ۴۶ ساله ساروی که به‌دلیل سکته مرگ مغزی شد با اهدای هشت عضو بدن به بیماران زندگی بخشید. خانواده‌اش زمانی که متوجه شدند او دیگر به زندگی بازنمی‌گردد دست به این اقدام خداپسندانه زدند و نام او را برای همیشه جاودانه کردند.